

دیالکتیک‌های ژنژک

مازاد، کسر، والایش

فایو ویگی

www.ketab.ir

ترجمه‌ی
فتاح محمدی

سرشناسه	: ویگی، فابیو، ۱۹۶۹-م. -Vighi, Fabio, 1969
عنوان و نام پدیدآور	: دیالکتیک‌های ژیزک: مازاد، کسر، والايش / فابیو ویگی؛ ترجمه‌ی فتاح محمدی.
مشخصات نشر	: زنجان: هزاره‌ی سوم، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۸۹-۵-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: On Žižek's dialectics : surplus, subtraction, sublimation, 2012.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: ژیزک، اسلاوی، ۱۹۴۹- م. - Žižek, Slavoj
موضوع	: علوم سیاسی -- فلسفه Political science -- Philosophy
شناسه افزوده	: محمدی، فتاح، ۱۳۳۲-، مترجم
رده بندی کنگره	: ۷۱ JA
رده بندی دیویی	: ۳۲۰/۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۵۶۳۶۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



نشر هزاره سوم

دیالکتیک‌های ژیزک
مازاد، کسر، والايش
نوشته‌ی: فابیو ویگی
ترجمه‌ی: فتاح محمدی
مدیر هنری: ژیلایا کیودوند
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰
شمارگان: ۶۰۰ نسخه
بها: ۱۲۰,۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۸۹-۵-۳

حق چاپ و نشر محفوظ است

نشانی: زنجان، غرب شهرک کارمندان، خیابان هفتم، قطعه‌ی ۴۵۷۸

تلفن: ۳۳۴۴۶۷۳۷ (۰۲۴)

info.hezare3vom@gmail.com

این اثر ترجمه‌ای است از:

On Žižek's dialectics: surplus, subtraction, sublimation by Fabio vighi, continuum international publication group. Copyright Fabio vighi 2010

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
بخش اول: سرمستی سرمایه‌داری	
۱- خواست سرمستی.....	۲۱
خارشی به نام ژوئیسانس.....	۲۲
چون آنها می‌دانند چه کار نمی‌کنند.....	۲۸
غلامان رژیم.....	۳۱
اشباح در ماشین.....	۳۶
۲- ژوئیسانس در فاصله‌ی این.....	۴۱
پارالکس سرمستی.....	۴۳
ژیژک با سون- رتل.....	۵۴
درباره‌ی باور کالا.....	۵۹
۳- از ارزش مازاد به ژوئیسانس مازاد.....	۶۷
مازاد کار.....	۶۹
کدورت دانش.....	۷۳
سون- رتل با لاکان.....	۸۵
یک ارباب جدید.....	۹۱
Objet a بین مارکس و هیچکاک.....	۹۷
۴- سبکی تحمل‌ناپذیر پرولتار یا بودن.....	۱۰۳
کوژی‌یف با لاکان.....	۱۰۴
ژیژک علیه نگری.....	۱۰۸
سبکی تحمل‌پذیر کار غیر مادی.....	۱۱۳
۵- داو کاراتانی.....	۱۲۵
تعیین انعکاسی ارزش مازاد.....	۱۲۷
از تولید به کنارگذاری، و بالعکس.....	۱۳۰
کانت با مارکس؟.....	۱۳۶

۱۴۱	اخلاق‌مداری و همیاری‌ها
۱۴۹	۶- درباره‌ی شرم و براندازی
۱۵۰	شرم، خواهر ژوئیسانس
۱۵۴	خلاصی از کار و پیامدهای‌اش
	بخش دوم: مازاد اندیشه
۱۶۳	۷- از سوژه به سیاست
۱۶۴	سوژه‌ی زیادین
۱۷۵	سایه‌روشن‌های حفره
۱۷۹	آزادی و عمل
۱۸۶	همزمان کردن مبارزه
۱۹۱	۸- دموکراسی تحت فشار
۱۹۳	دموکراسی بدون نقاب
۲۰۱	هسته‌ی اقتدارطلب دموکراسی
۲۰۸	اینک آخرالزمان
۲۱۵	۹- ماتریالیزم دیالکتیکی به مثابه‌ی بارالکسی
۲۱۷	"آزادی شرط رهائی است"
۲۲۰	مراقب کلی‌مسلمکی‌ات باش!
۲۲۴	ماتریالیزم دوباره بارگذاری شده
۲۲۹	۱۰- فراز و فرودهای کسر
۲۴۳	۱۱- خرگوش نامرئی در کلاه
۲۴۴	ابژه‌ی والای نظریه
۲۴۹	مانع معرفت‌شناختی به عنوان شرط امکان
۲۶۱	۱۲- "اگر چه جنون است، ولی تعمدی در آن هست"
۲۶۳	در اندیشه بیش از اندیشه
۲۶۷	ژنیوک، لنین، بدیو
۲۷۲	مازاد دانش
۲۸۱	یادداشت‌ها
۳۱۵	منابع
۳۲۱	نمایه

مقدمه

نه تنها به عنوان ارزش، بلکه همچنین به عنوان مازاد

منابع الهام این اثر یکی نقد ژيژک از سرمایه‌داری است دیگری معرفت‌شناسی لاکانی. هر دو عرصه هم از بابت معنا و اهمیت نظری دامنه‌دارشان مورد بحث قرار گرفته‌اند هم از بابت پیوندشان با مفهوم مازاد که پایه‌ی تحلیل من از دیالکتیک‌های ژيژک را تشکیل می‌دهد. تقسیم کتاب به دو بخش بازتابی است از قصد من برای جای دادن پرسش مازاد نخست در درون سرمایه‌داری، و سپس در ربط با اندیشه‌ی دیالکتیکی بحث فراگیری که در بخش اول بسط داده شده از این ملاحظه ریشه می‌گیرد که محور مارکس - لاکان، که بی‌تردید به همت ژيژک استحکام و عمومیت یافت، باید از لحاظ معرفت‌شناختی و نه به عنوان یک منظومه‌ی سیاسی سراسر آشکار شود. لاکان در سمینارهای بلافاصله پس از رویدادهای می ۱۹۶۸ (سمینارهای ۱۶ و ۱۷) نقد جالبی بر مارکسیزم وارد کرد که مبتنی بود بر اصل موضوعه یا آکسیوم زیر که می‌توان گفت درست در کنه آموزه‌ی روان‌کاوانه‌ی او قرار دارد: وزن دانش ناخودآگاه است. اگر، در زبان مارکسی، کار، و دانشی که از طریق آن بروز می‌یابد، مخرج مشترک قابل

اندازه‌گیری کل فعالیت انسان است، از نظر لاکان این هم‌ارزی باید دوباره و این بار با در نظر گرفتن مکملی که او ژوئیسانس مازاد^۱ می‌نامد، یعنی آن زیاده‌ی لیبیدوئی بی‌معنایی که همراه با تلاش‌های معطوف به دلالت ظاهر می‌شود، و آن تلاش‌ها را عقیم می‌گذارد، صورت‌بندی شود. من برآن‌ام، شباهتی را که لاکان بین مفهوم مارکسی ارزش مازاد (که پایه در مصادره‌ی نیروی کار کارگران توسط سرمایه‌داران دارد) و ژوئیسانس مازاد قائل است باید، در درجه‌ی اول، تلاشی در راه نشان دادن فزونی ژوئیسانس بر ارزش قلمداد کنیم. لاکان نشان می‌دهد که کار، همچون دانشی که سرچشمه‌ی کار است، قابل تقلیل به یک ارزش نیست، چون منطبق با میزان‌اش نیست بلکه در عوض دست‌خوش مازاد آنتروپیک و نافرمانی است که تن به کمیت‌نمائی نمی‌دهد. به زبانی دیگر، در ذات کار حدی از ابهام یا کدورت هست که حاکی از ریشه‌های ناخودآگاه هر دانش - در- کار است. دست‌مایه‌ی حمله‌های کوبنده‌ی لاکان علیه سلطه‌ی ارزش در گفتمان دانشگاه (همان گفتمان هژمونیک مدرنیته)، دقیقاً همان جایی که کارکرد سرمایه‌دارانه لانه‌کرده، همین وقوف است.

از منظر معرفت‌شناختی لاکان، تولید دانش آگاهانه همیشه، در عمیق‌ترین شکل‌بندی‌اش، نتیجه‌ی مکاشفه‌ای است که طنین ناخودآگاه آن را نمی‌توان با باب کردن نمره‌ی قبولی در دانشگاه، یا با ارزش‌افزائی همه‌جا حاضر تجربه‌ی تحمیل شده توسط سرمایه، خفه کرد. از این لحاظ، ارزش مازاد مارکس عملاً نوعی "نقض معرفت‌شناختی" ژوئیسانس مازاد است، هرچند ریشه در آن دارد و قدرت‌اش را از آن می‌گیرد. داو سیاسی اصلی

1. surplus- jouissance

2. excess

لاکان، که در سراسر سمینار هفدهم روی آن شرط‌بندی می‌کند، این است که یوتوپای سرمایه‌دارانه از یک جهان کاملاً ارزش‌افزوده آینده‌ی دیگری جز شکست ندارد، چون باقی‌مانده‌ی غیرقابل هضم فرایند ارزش‌افزائی همان نقطه‌ی کلیت تک‌تک گفتمان‌ها، از جمله گفتمان سرمایه‌دارانه، است. مهم اینکه، لاکان تأکید را از بلا تکلیفی مارکسی مربوط به ارزش مازاد جابه‌جا می‌کند به پرسش مربوط به مازاد انسانی که او بر حسب کنارگذاری و جداسازی تعریف می‌کند. در همین راستا، بت‌انگاری کالا (مارکس) از دید لاکان نسخه‌ی بزرگ‌شده‌ای است از ژوئیسانس مازاد، که هسته‌ی تهی مختل‌کننده‌ی آن ر بوده شده، استتار شده و به صورت نیروی پیش‌برنده‌ای درآمده است که مصرف‌کننده را به جست‌وجوی سرمستی بدلی^۱ واً می‌دارد. اما مازاد آغزین را نمی‌توان حذف کرد، چون در کنارگذاری به حیات خود ادامه می‌دهد. لاکان می‌گوید: در همین مازاد انسانی‌ماندای دینامیک‌های سرمایه‌دارانه است که باید به جست‌وجوی تصویری از حقیقت و رستگاری، که تجسم نهائی‌اش را در درون مایه‌ی برادری^۲ می‌یابد، برآئیم:

انرژی‌ای که صرف می‌کنیم تا همه باهم برادر باشیم گواهی است کاملاً آشکار بر اینکه ما برادر نیستیم. حتی در مورد برادر مادرزادمان هم چیزی نیست که ثابت کند برادر او هستیم - ما می‌توانیم گروه کاملاً متفاوتی از کروموزم‌ها را داشته باشیم. این جست‌وجوی برادری، بدون به حساب آوردن بقیه، یعنی آزادی و برابری، کاری نسبتاً غیرعادی است، و جا دارد بفهمیم که شامل چه چیزهایی می‌شود. من فقط یک خاستگاه برای برادری - منظوم برادری انسانی، برادری

همیشه هیوموس^۱ - می‌شناسم: جداسازی. البته ما در دورانی به سر می‌بریم که جداسازی، آه! [نگو:] دیگر هیچ جداسازی‌ای در هیچ جا نیست، وقتی روزنامه‌ها را می‌خوانید خبری از آن نیست. قضیه فقط این است که هرچه در جامعه هست - من نمی‌خواهم آن را "انسانی" بنامم چون از این اصطلاح خیلی کم استفاده می‌کنم، من مراقب آنچه می‌گویم هستم، گفته باشم که من چپ نیستم - و در درجه‌ی اول برادری، روی جداسازی بنا شده است. هیچ برادری دیگری حتی قابل تصور نیست، یا هیچ پایه و اساسی، چنانکه الساعه گفتم، پایه و اساس علمی، ندارد، مگر به این دلیل که مردم همه منزوی هستند، منزوی از بقیه. (لاکان ۲۰۰۷: ۸۱۴)

من بر آن‌ام که آنچه در این تلفیق جداسازی و برادری داریم فیگوری عمیقاً دیالکتیکی است که باید بدل شود به شتاب‌دهنده‌ای برای گفتمان سیاسی جدیدی درباره‌ی رهائی همگانی. یک معرفت‌شناسی سیاسی منبعث از روان‌کاوی لاکانی چارچوب دیالکتیکی‌ای در اختیارمان می‌گذارد که در آن دانش - منظور دانشی که پیوند ناگسستنی با خیال‌پردازی به عنوان جوهر غرق شدن ما در نظم اجتماعی - نمادین دارد - تعریف خود را هم از مادیت ذاتی‌اش می‌گیرد هم از مازاد آنتروپیک. چنانکه می‌کوشم با برجسته کردن چهره‌ی نیمه فراموش شده‌ای چون آلفرد سون - رتل نشان دهم، تأکید بر پرسش مادیت دانش - در - کار^۲، یا وحدت سر و دست، که در حقیقت هسته‌ی اصلی دیدگاه لاکان را هم تشکیل می‌دهد، بسیار مهم است. به گفته‌ی او، بداعت تاریخی فرایند سرمایه‌دارانه که منجر به خلق ارزش مازاد می‌شود متمرکز است بر بیرون کشیدن دانش از برده / کارگر. طی این فرایند،

1. humus

2. knowledge-at-work

آنتروپی در آغاز هم‌گوهر با دانش بدل به ارزش شده و به صورت سرمستی به بازار عرضه می‌شود. اما کل مطلب عبارت از این است که شکاف بین دانش - در - کار "مبهم" و سرمستی سرمایه‌دارانه از بین نمی‌رود بلکه در شکل "ضایعات انسانی" باز می‌گردد، یعنی در شکل توده‌های شبیخ‌گون زاغه‌نشینانی که هم‌زمان هم محصول دینامیک شکل‌گیری ارزش‌اند هم از آن کنار گذاشته می‌شوند.

از همین دیدگاه معرفت‌شناسی لاکانی استوار بر بازی‌کرنبدی بالقوه‌ی دانش از طریق "مادیت ناخودآگاه" آن است که من برخی از واژه‌های کلیدی ژیاک، مثل پارالکس^۱ و کسر^۲، را بررسی می‌کنم. از دید من این واژه‌ها عمیقاً دیالکتیکی هستند، چون اولویت تناقض و نفی در قلمرو بومی شده‌ی سرمایه را دوباره به رخ می‌کشند. باید از این فاکت غافل شویم که به اصطلاح خسران ارزش‌ها و تکه‌تکه‌شدن اضطراب‌آلود تجربه که تقلای ما در جست‌وجوی سرمستی را همراهی می‌کند متکی و منتهی به تأیید چارچوب اجتماعی - نمادینی است که هر روز بیش از روز پیش چون و چراناپذیر می‌شود و ویژگی خود را نه تنها از گردش آزاد کالاها، بلکه از خشونت سیستماتیک، استثمار و کنارگذاری انسان نیز می‌گیرد. در مقابل این چارچوب به ظرافت انکار شده لیکن هنوز کاملاً مؤثر است که من تأثیر دیالکتیکی پارالکس و کسر را بررسی می‌کنم، و گستره‌ی پیوند آنها با تصور لاکان از ژوئیسانس مازاد، همچنین با درون‌مایه‌ی هگلی ژیاک، یعنی "سرکردن با امر منفی"، را مورد کند و کاو قرار می‌دهم.